

معرفی کتاب

قوائم الانوار و طوابع الاسرار

خیرالله محمودی

مقدمه

عرفان اسلامی با فرهنگ و باور مذهبی ما ایرانیان به گونه ای درهم آمیخته است که شناخت هر یک بدون در نظر گرفتن دیگری غیر ممکن است و در این زمینه پژوهشگران آثار متعددی تألیف کرده اند، اما بیشتر پژوهش ها درباره عرفان اسلامی اهل سنت بوده و کمتر به عرفان شیعی پرداخته شده است؛ در صورتی که شناخت عرفان اسلامی بدون در نظر گرفتن عرفان شیعی کاری مشکل است. بنابراین بر ماست که ضمن تحلیل درباره آثار گرانمایه عارفان شیعی از آغاز تاکنون آنها را به جامعه فرهنگ و ادب معرفی کنیم.

کتاب قوائم الانوار و طوابع الاسرار، یکی از آثار برجسته عرفان شیعی است که تاکنون درباره آن تحقیقی انجام نگرفته است. از این کتاب سه نسخه خطی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه خانقاه احمدی تهران (حسینیه احمدی) و یک نسخه چاپ سنگی در کتابخانه خانقاه احمدی شیراز موجود است. نگارنده این کتاب را با توجه به نسخه های موجود تصحیح و شرح کرده که مقدمات چاپ و انتشار آن فراهم شده است.

مؤلف

مؤلف کتاب میرزا ابوالقاسم الحسینی الشریفی الذهبی معروف به «میرزا بابا» و متخلص به «راز» است. او در سال ۱۲۱۵ ق در

شیراز محله بازار میغ نزدیک در شمالی مسجد جامع عتیق به دنیا آمد و تمام عمر خود را در آنجا سپری کرد. وی از عرفای بزرگ شیعی عصر قاجار و سی و پنجمین قطب سلسله ذهبیه کبرویه است. میرزا بابا ۵۱ اثر منظوم و منثور به زبان عربی و فارسی دارد.

راز شیرازی در سال ۱۲۸۶ در هنگام بازگشت از مشهد مقدس به شیراز در مورچه خورت اصفهان به علت شیوع وبا دار فانی را وداع گفت و جنازه وی در حرم مطهر امام رضا(ع) در صحن نو فتحعلی شاهی که از ایوان طلا داخل می شوند، به خاک سپرده شد.

نام کتاب

نام اولیه کتاب «شرایط الطریقه و معارف الحقیقه» بوده است که مؤلف بعد از نوشتن چند برگ، با الهام، نام آن را به قوائم الانوار و طوابع الاسرار تغییر می دهد. وی می گوید: پس ای سالک سیبیل الهی، بدان که از محاسن این رساله شریف آن است که در اول رساله نام گذاردم آن را از جانب خود به شرایط الطریقه و معارف الحقیقه و پس از نوشتن چند برگ آن باطناً از سر و سر غیبی مأمور شدم که نام گذارم آن را به قوائم الانوار و طوابع الاسرار.^۱

۱. تمام عباراتی که به عنوان شاهد ذکر شده است، از کتاب قوائم الانوار و طوابع الاسرار به تصحیح و شرح نگارنده است که آماده چاپ است.

اهمیت کتاب

کتاب دارای یک مقدمه و سه شطر و یک خاتمه است. مؤلف در مقدمه، شرح حال سلوکی خود و ریاضت و مجاهداتش را بیان می‌کند و بعد به معرفی عوامل خمسه الهیه و هیکل انسان و مراتب پنج گانه (بدن، نفس، عقل، روح و سر) و مطابقت آن با عوامل خمسه الهیه (لاهورت، جبروت، ملکوت، ملک و ناسوت) می‌پردازد.

کتاب قوائِم الانوار یکی از آثار برجسته عرفان شیعی و مشتمل بر دستورهای سیر و سلوک عرفان شیعی برای سالکان طریق الهی است. فرزند مؤلف میرزا جلال الدین ملقب به مجد الاشراف (۱۲۴۳-۱۳۳۱ق) می‌گوید:

«می‌باید دانست که این کمالات انسانیه معروفیه یعنی قوائِم نوریه و طوابع سریه نمی‌شود به جهت سلاک الهیه بالتمام، مگر آنکه شرایط چهارده گانه مسطوره در این کتاب مستطاب (قوائِم الانوار) به جهت سالک متحقق گردد بالتّمام».

سال تالیف

در شطر اول، درجات و نام هر یک از مقامات انسان را در مراحل سیر و سلوک بیان می‌کند و در شطر دوم که در حقیقت متن اصلی کتاب است، چهارده شرط سیر و سلوک را بر اساس عرفان شیعی توضیح می‌دهد. وی در این قسمت با آوردن ابیاتی از کتاب سبع المثانی نجیب الدین رضا جوهری (۱۰۴۷-۱۰۹۴ق) مطالب خود را شرح می‌دهد. چهارده شرط سیر و سلوک که در این شطر شرح شده است، عبارت اند از:

راز شیرازی کتاب قوائِم الانوار را در سال ۱۲۸۲ق تالیف کرده است. وی در این باره می‌گوید:

«تا حال که عشر آخر از شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۸۲ می‌باشد، جمعی به نعمت سعادت سلوک در طریق توحید و ولایت مستعد شده‌اند».

انگیزه تالیف

۱. قابلیت ماده وجود سالک برای پذیرش سیر و سلوک؛
۲. دیده قلب مادر زاد؛
۳. احتراز و دوری از منکران جاهل و بدبختان غافل از حق؛
۴. ورع و تقوا؛
۵. ظل ولی کامل و شیخ واصل و دلیل الهی و مربی راه رفته راه دان؛

مؤلف کتاب قوائِم الانوار در سفری که به مشهد مقدس می‌کند، در بازگشت از سفر، در تهران با جمعی از سالکان و بزرگان طریق الهی در مجلسی ملاقات می‌کند. در این مجلس به خواهش یکی از آنان، وی در صدد نوشتن این کتاب بر می‌آید:

۶. پیروی کردن از رأی پیران کامل راه دان راه رفته در طریق الهی و پیروی کردن از چنین بزرگواران در راه حق تعالی ظاهراً و باطناً؛
۷. توبه و بازگشت به سوی حق تعالی؛

«چون طلاب و سلاک این سامان بالمره از طریق سلوک فی سبیل الله و شناسایی مراتب و مدارج باطنیه عاری و بی‌خبر یافتم، به خواهش بعضی از اجله سادات و اعظام اهل سلوک المسمی به میرزا محمد حسین و الملقب به دبیر الملک در صدد شرح این مختصر رساله موجه که مشتمل بر معارف ضروریه سلاک و طلاب این دار الخلافه و غیرهم گردد».

۸. ذکر لسانی روانی و ذکر مبارک خفی قلبی از لسان پیر کامل عشق الهی؛
۹. ترک مال و عزت دنیا به اختیار خود طالب سالک در طریق خداوندی؛
۱۰. نیت خالص قلبی سالک و صدق عقیدت بی‌شک و ریب؛

نگاهی اجمالی به کتاب

۱۱. داشتن منزل مراقبه؛
۱۲. عمل نمودن به اعمال صاحب شرع شریف (اسلام)؛
۱۳. مجذوب شدن به جذبه الهیه؛
۱۴. فنای سالک در نور ولایت و وجهه مبارک صاحب سلسله ذهبیه که حضرت ثامن الائمه (ع) باشد.

راز شیرازی در بیان مطالب بعد از طرح موضوع و توضیح درباره آن، آیات متعددی از قرآن به عنوان سند ذکر می‌کند و به نقل احادیث درباره آن موضوع می‌پردازد، سپس ریاضات و مجاهدات سلوکی خود و دیگر عرفا را به عنوان شاهد ذکر می‌کند. وی برای شرح مطالب خود از اشعار شاعران پارسی گو مثل حافظ، مولوی، سنایی، سعدی، شبستری و به ویژه از مثنوی سبع المثانی نجیب الدین رضا جوهری استفاده می‌کند.

به دلیل طولانی بودن چهارده شرط، مؤلف شرط سیزدهم و چهاردهم را در شطر سوم می‌آورد و حقیقت عشق الهی و مراتب و مظاهر آن را در این دو شطر به طور مشروح توضیح می‌دهد و

قصیده عربی عشقیّه قطب الدین نیریزی، سی و دومین قطب سلسله ذهبیه (۱۱۰۰-۱۱۷۳ ق)، را در این بخش نقل می‌کند و سپس خاتمه‌الکتاب را بعد از شرط چهاردهم می‌آورد.

نثر

این کتاب در سال ۱۲۸۲ یعنی در دوره قاجار نوشته شده است. نثر این دوره بر ساده‌نویسی استوار است و از این رو، مؤلف نثری سلیس و روان دارد، اما نویسنده به دلیل تسلط بر زبان عربی و موضوع کتاب، گاهی روش اصلی ساده‌نویسی را رها کرده است؛ زیرا از کلمات و عبارات عربی، آیات قرآنی، احادیث و اشعار عربی و فارسی بهره فراوان برده است و به دلیل آوردن جملات دعایی عربی و القاب برای بزرگان دینی و عرفانی و استفاده از صنایع بدیعی مثل مترادف، مزدوج و تضاد، نثر کتاب به شکل مزین و مصنوع در آمده است.

مثال‌هایی از نثر ساده

«آن حضرت به دست مبارک کمر بند مرا گرفته و بلند کرده و گذاردند در کمر آن کوه و فشر دند به کوه».

«آن جناب (محمد هاشم درویش) در ایام عید روزی که به تفریح به سمت قبله شیراز تشریف برده به بقعه شاه داعی اللّه».

نثر مصنوع رساله

۱. استفاده از صنعت مزدوج: «مجمعی آراسته و محفلی پیراسته دیدم که ارباب هوش و فطانت و اصحاب استعداد و کیاست».

۲. استفاده از آیات قرآن: راز شیرازی آیات قرآن را به سه صورت به کار برده است.

الف) مستقیم: مؤلف بعد از ذکر مطلب، آیه را به عنوان شاهد ذکر می‌کند و با آن عباراتی مثل «کما قال عزّ من قائل» و «بقوله تعالی» می‌آورد.

ب) حل و درج: مؤلف در بعضی موارد آیه را به صورت غیرمستقیم به کار برده و با استفاده از حروف ربط آیه را جزئی از عبارت قرار داده است. مثال: «و عالم ملک دنیا اسفل از تمام عوالم الهیه است که «ثم ردّناه اسفل السافلین»».

ج) ترکیب آیات: راز شیرازی گاهی قسمتی از یک آیه را با قسمتی از آیه دیگر ترکیب می‌کند. این روش در کتب عرفانی قبل از راز شیرازی نیز مشاهده می‌شود. از باب مثال، در کتاب کشف الاسرار (ج ۱، ص ۷) آیه «کتتم خیر امة جعلناک امة

وسطاً» دو بخش دارد: آیه ۱۱۰ آل عمران و آیه ۱۴۳ بقره، همچنین در همین کتاب (ج ۳، ص ۳۲۰) آیه «ثم محله الی بیت العتیق لیذوق وبال امره» با: آیه ۲۴ حج و آیه ۹۵ مائده ترکیب شده است.

مثال از کتاب قوائم الانوار: «قل بفضل اللّٰه و رحمته فلیفرح المؤمنون» ترکیبی است از آیه ۸۵ سوره یونس و آیه ۴ سوره روم.

۳. استفاده از احادیث: روش بهره‌گیری از احادیث در این کتاب مثل آیات قرآنی به سه صورت مستقیم، غیر مستقیم (حل و درج) و درهم آمیختگی است.

الف) به صورت مستقیم: مؤلف همراه با حدیث نام یا منبع آن را ذکر می‌کند. مثال: «بقوله (ص): کنت نبیاً و آدم بین الماء و الطین».

ب) به صورت حل و درج: مثال: «موقوف به وجود عترت ظاهره می‌باشد که انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّٰه و عترتی».

ج) آمیختگی احادیث با هم: مثل: «علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل بل افضل» که از دو قسمت تشکیل شده است: یک قسمت از حدیث «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» و قسمت دیگر از حدیث «علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل» است.

۴. آوردن القاب و جملات و عبارات دعایی عربی: مثال: «صاحب السلسله العلیه الرضویه الکبرویه المعروفیه الذهبیه علی صاحبها الالف الصلوة و السلام».

۵. به کار بردن امثال عربی: مثال: «طابق النعل بالنعل و القذّه بالقذّه».

۶. به کار بردن جملات و ترکیبات عربی که می‌توانست برای آن عبارات فارسی بیاورد؛ مانند: «از ریاضیات بالمرة ممنوع آدمم مع ذلک از کمال شوق»، «این مطلب و مراتب در این رساله مرّة بعد آخری می‌شود».

۷. به کار بردن لغات عربی: درصد لغات عربی در این کتاب در بعضی موارد نسبت به لغات فارسی بیشتر شده مؤلف معمولاً لغات عربی شاذّ به کار برده است مثال: منجذب، متحمّم، ملطّخ.

۸. تشبیهات و استعارات: مثال: «اما نفس انسان از عالم ملکوت الهیه است که، تعلق به فتیله بخاری روح حیوانی بدنی قلب صنوبری دارد».

۹. استفاده از اشعار عربی: راز شیرازی در شرح مطالب خود از اشعار عربی منسوب به امیرالمؤمنین (ع) و حضرت سجاده (ع) و



قصیده عشقیه قطب الدین نیریزی بهره برده است. مثال:

دوانک فیک و ماتشعر

ودانک منک و ماتبصر ...

انی لاکتم من علمی جواهره

کیلابری الحق ذوالجهل فیفتنا

۱۰. استفاده از اشعار فارسی: راز شیرازی در تفسیر مطالب عرفانی خود از شاعران پارسی گو بهره فراوانی برده و به شکل بسیار زیبایی نظم و نثر را با هم آمیخته و هر یک از اشعار را مناسب با موضوع بحث خود انتخاب کرده است.

مؤلف به اشعار شاعرانی همچون: مولوی، حافظ، سعدی، عطار، شیخ محمود شبستری، سنایی و به ویژه مثنوی سبع المثنائی نجیب الدین رضا جوهری توجه خاص داشته است. وی در استفاده از اشعار گاه در حین نقل، نام شاعر را نیز ذکر کرده است.

۱۱. حکایت و نکته پردازی‌ها و روایات مذهبی و عرفانی: راز شیرازی در کتاب خود از سرگذشت بزرگان دینی و اهل تصوف به عنوان شاهد و تأکید در گفته‌های خود استفاده می‌کند.

۱۲. استفاده از سخنان بزرگان اهل تصوف و حکمت: مؤلف کتاب قوایم الانوار گاه از سخنان بزرگان به عنوان شاهد و تأیید مطالب خود بهره می‌برد. مثال: «بزرگان اهل حکمت گفته‌اند: العالم خیال من خیال».

ویژگی‌های صرفی و جمله بندی نثر قوایم الانوار

همان گونه که در قبل ذکر شد، نثر این کتاب ساده و منطبق با سبک ساده نویسی دوره قاجار است. اما گاه آمیخته با نثر مصنوع و مزین است. در این نثر ویژگی‌هایی وجود دارد که در بعضی موارد با آثار هم عصر خود مشترک است.

الف) خصوصیات صرفی

۱- استعمال یای استمراری. مثال: «گودی بکندی و در آن نشستی».

۲- جمع بستن جمع‌های مکسر عربی: «احوالات شیعیان، اخبارات».

۳- به کار بردن فعل وصفی: «با مشک‌های بزرگ آب بر دوش، مدت‌ها ایستاده، استماع لحن صوت آن حضرت را می‌کرد».

۴- مطابقت صفت و موصوف از نظر جنس و عدد: «جمعیت کثیره، رساله عزیزه شریفه، درویشان مهاجران مذکورین».

۵- به کار بردن مصدر در معنی صفت: «عاشق صدق»

۶- به کار بردن فعل «آمد» در معنی «شد»، «شروط چهارده گانه طریقت و حقیقت ذکر کرده آمد».

۷- به کار بردن «البته» در معنی «هرگز»: «چنان حرکت بکرد که البته تیر جهنده این سرعت را ندارد».

۸- جمع بستن اسم‌ها بر خلاف قواعد دستوری: تذکره جات، نمایشات.

۹- آوردن کلمات متضاد و مترادف: تحریض و حث، حسن و قبح.

۱۰- استفاده از کلمات رایج زبان شیرازی: مؤلف از کلماتی که در زبان محاوره به ویژه در شیراز و نواحی فارسی رایج است، بهره برده است: «بر روی ماهتابی نشسته بود»،^۲ «در آنجا رشت ریز بود»^۳

۱۱- به کار بردن کلمات و ترکیبات که در زبان محاوره به کار می‌رود: مع هذا، عن قریب، مع ذلک.

۱۲- به کار بردن کلمه «بیت» در معنی «سطر»: «در شرح این فقره شش هزار بیت نوشته‌ام».

خصوصیات جمله بندی کتاب

۱. طولانی بودن جملات به دلیل حذف افعال به قرینه: «بسیار شایق اطلاع و کیفیت سلوک و شرایط لوازم طریقت و دریافت مراتب و معارج معنویه و مدارک غیبیه انسانیه بودند».

۲. تقدیم و تأخیر اجزاء جمله: مؤلف کتاب قوایم الانوار گاه اجزای جمله مثل متمم و صفت را بعد از فعل می‌آورد: «در عقب آن حضرت حرکت می‌کنم مثل تیره جهنده».

۳. استفاده از خطبه در آغاز سخن: «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی خیر خلقه و مظهر لطفه، اما بعد، بدان که ...».

۴. مؤلف مخاطب خود را با القاب زیر خطاب می‌کند: «اعلم یا حبیبی، ای فرزند عزیز، ای فرزند دل‌بند طریقت، این جان جهان».



۲. ماهتابی یا مهتابی عمارتی بلند، مسطح، بی سقف، خواه از گچ و سنگ و خشت و خواه از خاک می‌باشد که پیش از ایوان یا در میان صحن و سرای باغ می‌سازند (لغت نامه دهخدا).

۳. رشت: خاک‌روبه، گرد و خاک (لغت نامه دهخدا).